

# فصل نهم

## ملوک الطوائف

### در اروپا

۷۳- برهم خوردن دولت امپراطوری شارلمان امپراطوری خانواده شارلمان پنجاه سال حول نشید و در سال ۸۴۳ نواده های شارلمان بر حسب قرارداد و بدون مملکت را بین پادشاه نشین تقسیم کردند یعنی فرانسه و آلمان و ایتالی بنجر پادشاه نشینهای کوچک که بعد از آن تشکیل یافت و اکنون آنها را محسوب نمیداریم

در ابتدا سلاطین و امپراطورها بیایست از خانواده شارلمان منتخب شدند ولی بعد از آن در هر پادشاه نشینی بکنفر از خانواده های محترم آن مملکت سلطنت می نمودند جز اینکه بیهیچیک در سلطنت خود اقتداری نداشتند و بر مملکتی بیایستهای کوچک متعدد تقسیم شده در هر ایالت و الی یا رومی حکومت میکرد و این و الی در ایالت خود ریاست مطلقه داشت و در آن خود و کامل بود زیرا که سلاطین حق نداشتند او را معزول سازند و چون

والی میرد سپه با دتخرا و وارث ولایت او بود

## سؤالات

صد از سر خوردن اسپه طوری شانرمان محکمت بچه حال شد سلطانین و امیر اطراف  
بچه تربیت نخبه میشد و والی با در ایالت خود بچه حال داشتند

۶۴- آقایان و شجاعان - آن زمان مانند این عصر

بود که هر ایالت با طرف آن در حکم یک خانه باشد بلکه ایالت عبارت

بود از یک دهه الی بیست و سی فرس با اطلاق در ارضی بسیار در بر قریه ها

بزرگی مستطاب و مقدر بود که او را آقایان بارون مینامیدند و هر آقای

در حوزه تصرف خود مالک متقل بود و جمعی از خدمتگذاران و جنگیان

در دور او جمع بودند و خانه او عبارت از قلعه محکم بود که قصر مینامیدند

تمام این آقایان و خدمتگذاران ایشان سوار و جنگی بود

و اسلحه ایشان نیزه بلند بود و زرهی در بر میکردند که از زخم خوردن محفوظ

مانند و آنها را شوالیه (شجاع) مینامیدند

در آن عصر همچو می نیداشتند که اسباب عزت و عظمت منحصر است بچنگاری

و لاجرم در عوض اینکه کسی را نجیب خوانند سر باز و جنگی مینامیدند

و چون این سوالها را در مجامع (کار و کیری) می‌داشتند روزگار خود  
بجنت و ستیز با یکدیگر میگذرانیدند

## سؤالات

اینها در انصریح حال داشته آقایان در مجامع چه میکردند  
اسلام ایشان چه بود روزگار خود را چه قسم میگذرانیدند

۷۵- کشش با و را اهبان - در هر شهری کششی و در هر شهر  
راهی منزل داشت کشش با و را اهبان بسیار متمول شده بودند و اهبان  
آن این بود که آقایان در رؤسای شدت متعددی و بدرقار بودند غالباً  
همسایه با بلکه اقوام خود را بقتل میرسانیدند و چون از بسیاری مسا  
از عذاب الهی آید شیشه میگردند قطعه غلکی را برابر با کشش دانسته  
خرد اطلاق او قرار میدادند و از او درخواست مینمودند که از برای این  
طلب مغفرت نماید و بخشش گناه ایشان را از خداوند بخواند  
باین سبب کشش با و را اهبان بر یک آقای تیرک شده بودند بخصوص  
در المان که اغلب کششهای مایانس و کلن صاحب اطلاق و اراضی  
بسیار گردیده از اغلب خداوند کاران معتد تر بود

## سؤالات

حال کشتیها و راهبها چه بود. باعث تولد کشتیان چه بود  
 اقدار ایشان چه اندازه بود

۷۶- غلامان - در عصر مهنا غالباً رعایای املاک  
 غلام و بنده بودند و صاحبان املاک میخواستند ایشان را با شکار  
 دور و نزدیک بفروشند یا بزنند و بکشند و کلیه مانند حیوانات آنها قتل  
 میکردند

در عصر متوسط نیز عموم رعایا را (سرف) مینامیدند یعنی بنده و با  
 زراعت اشتغال داشتند ولی مالک زمین نبودند بلکه املاک متعلق  
 بود پادشاهان یا آقایان یا کشتیان و راهبان و غلامان بیچاره جز بزرگ  
 کاری نداشتند بر یک قطعه زمین مختص خود را زراعت نموده حاصل  
 زحمت ایشان بصاحبان املاک میرسد بلکه کلیه زحمت بدنی و پولی که  
 و شراب و جو به ایشان حتی صاحب ملک بود  
 جز اینکه آقایان داشتند قطعه زمین زراعت مسیح عیسی را از دیگر و چون  
 عیسی میرد زمین او بارش با اولادش میرسد

اگر چه این نیکان بهم خیلی بدبخت بودند که صدقات فوق العاده صدقه  
ولی بفقده بود که آقا و مالک آنها نتوانست آنها را از احوالشان  
دور سازد و باشخاص دور دست بفرودند

غلامان بزرگ در قرن یازدهم خوش احوال تر از رعایای رهنما بودند  
زیرا که در آن زمان همه چیز و شرفی بود اما بزرگتر بازم بکلی آزاد نبود و ناچار  
باید احکام مالک خود را مطیع باشد

مراعات و مالکی در حوزه اقتدار و اطاعت خود کینفر ناظر از جانب خود  
میگاشت که بر رعایا پول بدین ناظر می توانست از رعایا جریمه بگیرد و قتل  
قتل آنها را بدو سپرد غلامی حق نداشت از قریه که در آن ساکن و مسئول  
بزرگ می بود بجای دیگر برود

## سئوالات

حال غلامان بزرگ در عصر رهنما چه بود حال ایشان در عصر متوسعه چه بود  
رعایای قرن یازدهم با رعایای رهنما چه تفاوت داشتند هر مالکی در حوزه اقتدار  
نمود که در اینجا گشت  
۱۱- چو رواج ز اهل قصبه تا در قرن دهم در تازان  
نیز از دعات رخت نشین خیزی موجود نبود و بعد از آن رفته رفته

بسیارخی از آن دانات بزرگ شده و شهرت حاصل نمود  
سنگه مرشری در دور شهر خوشان از برای مدافعه قلعه جان بنا  
می ساختند و این قلعه را را بزرگ (مقل) و اهل آن را برزوا یعنی  
ساکنین مقل می نامیدند  
در ابتدا برزوا نام هم مثل حایابی دانت مطیع آقایان بودند و برزوا  
در جوانی و دیگری آزاد نبود

ولی در میان برزوا و کاهی تاجر و کارگر پدید شد که فایده نقدی  
حاصل میکردند بعضی از آنها حق اقدار و حکومت را از آقایان برآ  
خودشان میخریدند و در آن شهر با قبه حکومت میکردند

## سؤالات

در قرن هفتم حال قریه های اروپا چه بود سکنه شهرها چه میکردند  
برزوا و اهل چه حال داشتند برزوا و اهل چه میکردند

۷۸- حال اروپا در عصر طلوع الطوائف - در این عصر

در تمام اروپا این اشخاص صاحب اقدار و نفوذ بودند یعنی آقایان  
و شوالیه ها در شجاعان و کشیش و رابب و برزوا و مقل نشینان

و این عصر طوک الطوائف نامند  
 ممالک اصلی در آن عصر آلمان و ایتالیا بود که بعد از این دیگر آنها پیشتر آمدند  
 و دیگر مملکت فرانسه بود

اما ممالک اسکانندیا و یعنی سوئد و نروژ و دانمارک در آن وقت در حسابی  
 محسوب نبودند و مملکت پریم و هوگبری (مجار) و پنی (دور شو)  
 و جردی ناقابل بودند و روسیه هنوز بحال و حیکری نیز نداشتند  
 جزه اعظم اسپانی متعلق بمسلمان بود ولی چند سلطنت کوچک عیسوی  
 مذہب در آن باقی مانده بودند مانند پرتوغال و کاستیل و لئون و آراگون  
 و اراکون و همیشه با مسلمان در جنگ و ستیز بودند

## سئوالات

صاحبان نفوذ و قدرت در عصر طوک الطوائف در اروپا کیان بودند  
 ممالک اصلی در آن زمان کدام و سایر ممالک چه حال داشتند  
 اسپانی در دست که بود

۷۹- تجزیه نورماندیهها مملکت انگلیس یکی از وقایع  
 و اتفاقات بزرگ آن زمان تشکیل مملکت انگلیس است که نورماندیهها

باینحی که دزدان دریائی از زور میآمدند و در فرانس بارهین خودشان  
 منزل میکردند در سال ۱۹۱۰ ولایتی را که از مملکت فرانسه تصرف کرده بودند  
 نورماندی میخوانند و والی نورماند بهیامت قدرترین اقایان فرانس  
 شده بود

گیلیوم والی نورماندی در سینه مملکت انگلیس را تصرف شد و آن  
 نورماندی متصل گشت بعد از این اتصال یکی از ممالک عمده اروپا  
 گردید

سایر شوالیه ها (شجاعان) نورماندی سیل و مملکت ناپل را از سران  
 کزده سلطان نشین مخصوصی تشکیل دادند

## سوالات

نورماندیه با مملکت انگلیس چه کرد؟ والی نورماندی در چه سینه انگلیس را  
 تصرف نمود و بعد از آن چه شد شوالیه ها نورماند چه کردند

۱۰- قدرت فرانس - سلاطین اول فرانس از

سلسله ناپلئین پادشاهانی ضعیف بودند بعینت اینکه والی ماوریهما



که در ولایات بودند اطاعتی از آنها نداشتند ولی شوالیه با دشمنان  
 فرانسه در تمام اروپا مشهور بودند و شاهزادگان فرانسه در ممالک انگلیس  
 و ایتالیا و پرتوگال سلطنت میکردند و در بار سلطنتی پادشاه انگلیس  
 بزبان فرانسه تکلم میشد شعرای فرانسه که در قرن دوازدهم و سیزدهم  
 بودند سرگذشت جنگها را نظم نموده شعرای سایر ممالک تعلیم آنها  
 میکردند

معماری فرانسه کلیسا و عمارات خیلی قشنگ بطرز رومن با اهل  
 بلخ خانی میآیند و ممالک دیگر از آنها اقتباس میکنند پس با  
 سبب ممالک فرانسه در زمان ملوک الطوائف با وصف اینکه تقسیم  
 بود اینی انهم ترین ممالک اروپا بود

## سؤالات

سلاطین آدل فرانسه چه حال داشتند شوالیه با شاهزادگان فرانسه  
 چه میکردند شعرا و معماران فرانسه چه میکردند فرانسه در عهد ملوک الطوائف  
 چه حال داشت

## (۱۵) خلاصه که باید از رسمنامه

اولاً امپراطوری شارلمان بچندین مملکت تقسیم شد و پادشاه نشینها با ایالتها تقسیم

شده بود که در هر یک والی یا رئیس حکمرانی میکرد و صاحب حتمی آن مملکت بود

ثانیاً مالکین آقامیسا میزد و ایشان با امرایان و ملازمان در همه ممالکی که

معروف بقصر بودند کانی نموده با سلطه شجاعان مسلح بودند و باید که جنگ میکردند

ثالثاً کشیشان در اربابان تسلط کاملی داشتند و آقایان بزرگی بودند

رابعاً رها یا از برای آقایان بزرگی اراضی نموده مطیع ایشان بودند و بیای

از آنها صرف رییجی غلام بودند ولی صاحب مزرعه خود بودند و از غلامان آن

رهنما با آنها تهر رقار میکردند

خامساً ساکنین شهرها که موسوم به بورژوا بودند حق حکومت قصبه خود را از آقایان نمیبردند

سادساً این زمان عصر ملوک الطوائف اروپاست و لایات اصلی در آن زمان آلمان

و ایتالی و فرانسه بود

سابعاً والی نورماندی در عرشنا انگلیس را تصرف کرد و شجاعان نورماند مالک

بازل و سیزیل را تصرف کردند

ثامناً در آنوقت فرانسه مملکت عهد و اروپا بواسطه شجاعان مسخران و مسخران <sup>بودند</sup> <sub>که در او</sub>

## فصل چهارم

### کور و آزاد (بی وفایان)

۱۱- بی وفایان ساکنان اروپا بچند ملت تقسیم شده و برخی بچند ولایت منقسم گشته بودند جز اینکه تمام آنها در تمدن یک نوع بود و یک عقیده داشتند یعنی همه عیسوی مذهب بودند و اطاعت پادشاه میکردند

در قرن یازدهم میلادی غیر عیسوی از همه طرف عیسویان را احاطه کرده بودند و عیسویها ایشان را بیوفایان خواندند این بیوفایان در سه طرف بودند باین ترتیب که در سمت مشرق مسلمانان مصر و شام و مغرب مسلمانان اسپانی که سوسوم در فرم بودند و در شمال شرقی اسلاو بروس که در ساحل رود آردن سکنی داشتند و بنوز در کفر باقی بودند پاپ مأمور ایشان این بود که بیوفایان مجبور گردیدند پیروی عیسوی نمایند و باین جهت شوالیه دارا تخرک میشدند که ما آنها جنت نامیدیم بن قسم جلوه را جنت صلیبی نامیدند بعلمت اینکه بر یک از لشکریان این

جنگ صلیب قدس کی برعربی لباس خود قرار داده ہوئے

## سوالات

ساکنان اروپا بحال حاصل کرده ہوئے بی وفایان کیان ہوئے اور کلام  
صرف واقع ہر وہ مفہوم ماہیہا ہر وہ چہ کردند جنگ بی وفایان ہر وہ نامید

۱۲۔ جنگ صلیبی ہر وہ بزرگترین این جنگ ہاں صلیبی جنگی ہو کہ وہاں

در مملکت مصر واقع شد و ابو عبات اس وقت جنگ بزرگ ہو در جنگ

اول تقریباً تمام شکران صلیبی از فرانسہ پرورد و بیت المقدس را

سیر ما متحد و جامع از شکران در ہما نجا مانده پادشاہ نشین فرانسہ

در بیت المقدس تاسیر ہوئے لی در مقابل مسلمانان تاب مقاومت

نہ آورده برای کمک خودشان شجاعان از پہا اطلب ہوئے

بگت صلیبی دیم ہوتا پادشاہ فرانسہ امپراٹور المان فرانسہ

دسی ایشان بہد رفت زیر کہ توانستہ بیت المقدس را مسلمانان

پس کہید

جنگ صلیبی سیم را امپراٹور المان پادشاہ فرانسہ پادشاہ آلمانی

پاکرڈ و فایڈ نزد ہر ایک ایک شہر شہر ہوید شوالیہ در شجاعان

با اسلحه آهنین خود تائب حرارت برای مشرق زمین ریا آورده تقریباً  
تمام ایشان در عرض راه از حرارت هوا بهلاکت رسیده  
در جنگ صلیبی چهارم شجاعان خواستند از طرف دریای آسیا بروند  
و بی امالی شمس و قمر آنها را از این غربت بازگردانیدند و در عوض جنگ  
با یونانیان بطرف قسطنطنیه رفتند و در آنوقت سلطنت قسطنطنیه با امپراطور  
عیسوی مذہب بود ولی کاتولیک نبود محض همین شجاعان با شیفته او  
از تخت بریز آورده بجای او یک نفر از خودشان را که اصلاً فرانسوی  
و از اهل بودوان بود سلطنت نشانیدند و بعد از آن مملکت ادریان  
خودشان تقسیم نمودند و هر یک در ولایتی پرنس و والی در رئیس شدند و آن  
مجموع ایشان امپراطور نشین لاتین در قسطنطنیه تشکیل یافت که تا سال ۱۲۰۴  
بطول انجامید

مسلمانان تمام مملکت بیت المقدس را بجز جزیره قبرس تصرف کرده بودند  
و چهار جنگ صلیبی دیگر در بیت المقدس واقع شد  
جنگ ششم را امپراطور المان شروع نمود ولی در عوض آنکه با پادشاه  
اسلام که بیت المقدس را متصرف بود جنگ نماید با او عهد اتحاد

بست بدون جنگ داخل بیت المقدس گشت  
 دو جنگ صلیبی اخیر اسن لونی انجام داد و میخواست مصر را متصرف  
 دلی در جنگ صلیبی بنفتم بحسب افتاد و در جنگ هشتم برض طاعون بود

## سؤالات

بزرگترین جنگهای صلیبی کدام بود سایر جنگهای صلیبی را که انجام داد  
 آلمان با پادشاه اسلام چه کرد جنگ صلیبی اخیر را که انجام داد

۱۱۳۰ - جنگ صلیبی اسپانیایی - مسلمانان تمام اسپانی را تصرف  
 کرده بودند ولی بعضی شاهزاده های ضعیف عیسوی مذہب در مملکت  
 پیرنه ساکن بودند و با مسلمانان بنامی جنگ را گذاشته متدرجا نسبت  
 جنوب پیش رفتند و شهر بشیر را متصرف شدند و در اینجا پنج پادشاه  
 عیسوی بود، پرتوگال کاستیل لئون ناوارا آراگون  
 شجاعان اسپانیای اوقات خود را صرف جنگ طاعون

هر می نمودند مثل رید، معروفه که در قرن یازدهم در سده ۱۲۵۰ شهر  
 والانس را گرفت همچنین شجاعان عیسوی از االی فرانس و انگلیس  
 ایالات با هم جنگ عیسوی می آمدند و مدت این جنگها زیادتر شدند

سال طول کشید اما کار هیویان بزودی پیشرفت میگردید زیرا که غالباً با  
خودشان در جنگ بودند و با وصف این عاقبت الامر از برای مسلمانان  
در اسپانی غیر مملکت کوچک گرنادا در غرناطه (که در جنوب اسپانی  
واقع است) باقی نماند

## سوالات

شاهزادگان هیوی در اسپانی با مسلمانان چه میکردند شجاعان اسپانیا  
و سایر شجاعان هیوی چه میکردند جنگها خود را چگونه میگردانیدند  
بزودی پیشرفت میکردند

۱۴- جنگ صلیبی پر و کس از قرن دهم هیویان  
با طوایف بت پرست که در آن سوی رود الب سکنی داشتند جنگ میکردند  
و اراضی سنگناخ مونسو تم برانده بود که را تصرف نموده بودند که شهر  
کوچک برتن در آن بنا شده بود

در آن زمان در مملکت بیت المقدس بعضی اربهامی شجاع بودند که اینها  
ز شجاعان تنسی (یا میدند از برای خودشان صومعه تشکیل داده بودند  
مکرر تهاجم و بالا پوش سفید در بر نموده اسلحه با خود داشتند و همیشه  
مسند جنگ با کفار (غیر هیویان) بودند و مدار آنکه مسلمانان

از بیت المقدس بیرون کردند این شجاعان که همه از اهل المان بودند  
 کنار رود ویتول رفتند و در ولایتی که بت پرستان منزل داشتند  
 قلعه مارین وورکن را بنا نهادند محض اینکه طوایف بردس را تغییر دهند  
 مجبور سازند و همه ساله بفرجکت (غزرا) رفته و ثلث مزارع بت  
 پرستان را میوزانیدند و خودشان را بقتل می رسانیدند و از سایر شجاعان  
 صیوی مذیب با داد می طلبیدند این جنگها نیز نوعی از جنگ صلیبی بود  
 در رضای خدا و در این میدانستند که مخالفان عقاید و تعلیمات کلیسا  
 بقتل رسانند و همچنین شجاعان فرانسه بکنک صلیبی می رفتند یعنی  
 بکشتن فرانسویهای زیر و مارین که کاتولیک نبودند

## سوالات

عیویان المان در قرن دهم چه میکردند راجه های شجاع بیت المقدس  
 چه کرده و در بلاد بت پرستان چه رفتار می نمودند شجاعان فرانسه چه میکردند

۱۵- تیاج جنگ صلیبی - جنگهای صلیبی اسپانی و  
 پروس بپاشد که دو مملکت بتصرف عیویان درآمد



جنگ صیبری مشرقی بسبب شد که طیونها عیسوی گشته گردید و مملکت عیسوی  
 بهم که بنا نهادند امتدادی نیافت ولی با وصف این جنگهای مزبور  
 بیچاره نبود

اولاً شجاعان عیسوی که از ولایات مختلفه بودند و هر یک در کج  
 مادای خود کذرانیده بایکدیگر رابطه داشتند و از آنجا که  
 برای جنگ اجتماع نمودند با هم شناسا شدند و تمام فرانسویها  
 همینه که همه یک ملت هستند

ثانیاً چون عیسویان ببلاد مشرق درآمد سلطانان را مشاهده نمودند  
 که عمارات قشنگ عالی داشتند و لباسهای فاخر پوشیده بودند بهر  
 اطباء در میان ایشان بود و بهترین مدارس تشکیل داده بودند -  
 عیسویان تمام این چیزها را در خاطر خود نگاه داشتند و تقلید آنها  
 برخاستند لاجرم بعد از جنگهای صلیبه اروپا تمدن تر از سابق گردید

### سئوالات

جنگهای صیبری اسپانی در پروس چه چیز را بسبب شد جنگ صیبری مشرقی بسبب  
 چه چیز گردید فوائد و اثرات جنگهای صیبری بود

## خلاصہ کہ باید از برما

(۱۱)

اولاً شجاعان عیسوی در قرن یازدهم با یونانیان یعنی غیر عیسویان شروع جنگ

نموده و این جنگها را جنگ صلیبی نامید

ثانیاً عیسویان از سال ۱۰۹۵ تا ۱۲۰۴ ایشیت جنگ با مسلمانان مشرق نمودند

و مملکت بیت المقدس را در سال ۱۰۹۹ تاسیس کردند و بعد مسلمانها او را از ایشان

گرفتند و همچنین مملکت لائین قسطنطنیه را و آمداد جنگ ایشان از سال ۱۰۹۵ تا

سال ۱۲۹۱ بود

ثالثاً عیسویها جنگهای صلیبی زیاد با مسلمانان اسپانی نمودند چندین جنگ

عیسوی در اسپانی نشانی شد

رابعاً عیسویان آلمان را برانداز کرده اعتراف کردند و شجاعان در

تشنه یاقه قران پرورس و ایشیت صلیبی نمودند و دالی نشین پرورس ایشان

خامساً جنگهای صلیبی اسباب کشته شدن طغیونها مردمان کرد و دالی ایشیت

که طوایف عیسوی با یکدیگر نزدیک و آشنا شدند قایده بخشید و نیز

این جنگها سبب شد که از سابق متون تر شوند

# فصل پنجم

## آلمان و ایتالی

### در عصر متوسط

و در امپراطورهای آلمان — پادشاهان آلمان نیز  
فرانسه سلطنت شان مورد وثیقه نبود بلکه سلطان بموجب انتخاب تعیین شد  
یعنی چون پادشاهی وفات می نمود آقایان آلمان در حلقه وسیعی بر  
انتخاب سلطان جدید جمع میشدند و غالباً پسر پادشاه متوفی انتخاب  
شده فامیل بزرگ در آلمان سلطنت نمود

اول خاندان ساکس که در آلمانهای شمالی بودند در قرن دهم  
دویم خاندان فرانکنی که از مرکز آلمان بود در قرن یازدهم  
سیم خاندان سوآب که از جنوب بودند در قرن دوازدهم و سیزدهم  
این سلاصین آلمان از پادشاهان فرانسه مقتدر تر بود زیرا که آقایان  
آلمان با طاعت پادشاه عادت یافته بود ولی در قرن سیزدهم

این عادت از دست داد

در قرن دهم مملکت ایتالیا در نهایت بی نظمی بود در میان اوقات  
 آن اول پادشاه آلمان با قسطنی بزرگ از جبال آلب عبور کرده برم  
 آمد و تاج امپراطوری بر سر نهاد از آن زمان تا مدت پانصد سال  
 هر پادشاهی که در آلمان سلطنت متعین شد قسطنی از شجاعان آلمان  
 جمع نموده با طایایا میرفت و آند را با وی رفته نشان مملکت مبارک  
 میکرد و بعد از آن از برای گرفتن تاج امپراطوری برم معرفت آید  
 قرار میشد آلمان و ایتالی یک امپراطور داشتند

ولی چون مسکن امپراطور در آلمان بود ایتالیاییها اطاعتی از او  
 نداشتند و غالباً لازم میشد که پادشاه با جنگ داخل زم شود.

### سؤالات

تعیین سلطنت آلمان بجز قریب بود - چند فامیل در آلمان سلطنت کردند  
 در قرن دهم مملکت ایتالی چه حال داشت - آن اول چگونه برم رفت  
 بعد از آن پادشاهان آلمان بچه قسم برم رفته تاج امپراطوری را میکردند

۱۲ - پاپ - پاپ آقا و بزرگ مذہبی هم بود و همچنین پاپ

عیسویان ریاست داشت در ابتدا پاپ با توسط امپراطور المان منتخب  
 میشدند و اطاعت او را می نمودند و همچنین کشیش با در ایدنها امپراطور  
 تعیین میکرد و ایشان را جرم نموده شورای تشکیل میداد بجهت انتخاب  
 پاپ و کاتبه بقریب رفتار میکرد که پنداشتی رئیس کلیسا میداشت.  
 عاقبت امامزاده پاپها نخواهند که انتخاب ایشان با مشورت عموم کشیشها  
 و تصریح امپراطور باشد و از این جهت در شاهان متصرف شدند که انتخاب  
 پاپ فقط توسط کشیش با بی شهرم باشد.

### مسئله سوالات

پاپ که برده انتخاب پاپ که میسرند - تعیین کشیشها در اینها با کج  
 پاپ از استخفافه شود و چه کرده

۱۱- منازعه پاپها و امپراطور با هم - بلاخره پاپها قوت یافته  
 امپراطور را و پادشاهان را از حق تعیین کشیشها در اینها نیز باخت  
 نمودند و چون اطالیا کشیش با در وسط اطالیا امپراطور می واقع بود  
 از هر جنبه امپراطور بر آنها حاکم داشت با ایشان در سه نام عاز  
 برآمد و ایشان نیز امپراطور زود و خورند این زود خورد و بخت کند

محموری را احاطه خوانند

امپراطور مازنی چهارم پیش از دگرمان در معاومت کشش با ستمی نمود  
و پاپ گرگوار به مقم تکی را بطه را با او قطع نموده بشجاعان مخصوص خود  
حکم داد بر امپراطور سورش نمایند

امپراطور مکریت که رعایای خودش از اطاعت او خارج شده و در  
او را گفتند مجبور گردیده با ایتالی آمد و از پاپ معذرت خواست  
گرگوار به مقم در عمارت کانا منزل است سه روز امپراطور را مظل  
ساخته نزد خود باز نهاد و او را با پامی برین در جلودرب عمارت نگاه داشت

در سنه ۱۰۲۱

امپراطور مازنی پنجم در سنه ۱۰۲۱ با پاپ مصاحبه نمود و متقبل گردید که انتخاب  
بزرگ همیشه با تصویب امپها باشد

سی سال بعد از آن امپراطور فردریک اول معروف به باربروس قسطن  
بزرگی فراهم ساخت که ایتالی را با مجبور با طاعت نماید و شهر میلان را  
در سنه ۱۰۲۴ خراب کرد ولی سایر شهرهای لمباردی با کله مکر اتفاق نمود  
و پاپ نیز از آنها حمایت نمود چه پاپ میل نداشت که امپراطور را در ایتالی

ریاست آقائی باشد

پس خواهان پاپ اکتف نیامیدند و دوستداران امپراطور رازی <sup>عظیم</sup>  
 بلاخره در <sup>۱۷۸۱</sup> امپراطور مغلوب گردیده از ایتالیا نیز مصاحبه طلبید  
 فردریک بابر بر دس پادشاهی شجاع بود تمام رعایای او المانی  
 بودند و از و احترام میکردند

آخر بخت جنگ صلیبی حرکت کرد و در یکی از رودهای آسیا خود را  
 ساخت آلمانها مردن او را متقد نیستند و حکایت میکند که وقتی  
 چو پانی بابر بر دس را در قهر فارسی دیده است که در جلومیزی از <sup>سنگ</sup>  
 خوابید در پیش او سه دور بر کرد که شش پیده شد

خانزاده بابر بر دس که بعد از او امپراطور شدند مکرر شروع بجنگ نمودند  
 فردریک دو تیم دارت مملکت ناپل گردید داد در خدمت خود سر <sup>ن</sup>  
 مسلمان نگاه داشت و لیا دمی را مغلوب ساخت

پاپ چند نوبت با او قطع رابطه نمود و اتباع خود را حکم شورش داد  
 بعد از مرگ او که در <sup>۱۷۸۱</sup> بود پاپ اظهار داشت که من میخواستم این  
 نژاد افغنی را منقرض سازم مملکت ناپل را بجزه سن لونی و در <sup>۱۷۸۱</sup>

آورد باشد و او آخرین اولاد باربره س کنز اوتون جوان را در ۱۲  
کردن زد

## سؤالات

۱۱۱۱ امپراطور با چه کرد؟ امپراطور ناری عجب با او چه کرد -  
با کز بر مغرب با او چه رفتار نمود

۱۱۱ - خرابی امپراطور نشین المان - از آن زمان همیشه که  
در آلمان بود بوجه بخت نفر شاهزادگان مقدر انتخاب شد که نفر  
اینان کیش بودند و آن بخت نفر را مستجین میامید مستجین نر بود  
شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند که قدرتی نداشته باشد  
پراچو بیچوقت پول داشت و نه قشون و مردم از او اطاعت می نمودند  
شاهزادگان و آقایان کللی مالک رقاب و صاحب اختیار حاکم بودند  
در بسیاری از عمارت شاهان را نهرن ماوی نرفقه بر نهرنی است  
دشتند و نه عود و مرد و نرین قایمهای تجارتی کردند اموال  
و در بر نهرن میسرند و صاحبان اموال را در نهرن از نهرین حسن میکنند  
تا مجبور کردند به خودشان را با قیمت گزاف بخرند بیچوجه حساب و انقیاد



همچنان بود و شهرت است که در مملکت المان حتی غیر از حقان و درویش

ندان

## سؤالات

امپراطور المان بر ساحت کباب انتخاب شد چگونه شاهزاده را به سلطنت تعیین  
میکردند مستعین چه اشخاصی بودند و چه حال داشتند شجاعان را بهرین راهزن و غارتگر  
چه میکردند حال مملکت المان چه قسم بود



شجاعان را بهرین راهزن و غارتگر تعیین میکرد

۹- شهرهای اروپا الیا در ایحالی آقا بان بزرگ که بودند-

برگردید شهری حصاری بود و قشون در آن سکنی داشت و محمد

مخصوص شکیل داده مانند مملکت که بی مستقل بود

ماشورت و با قدرت ترین این شهرها و بیرون بود که هر دو بندر بود

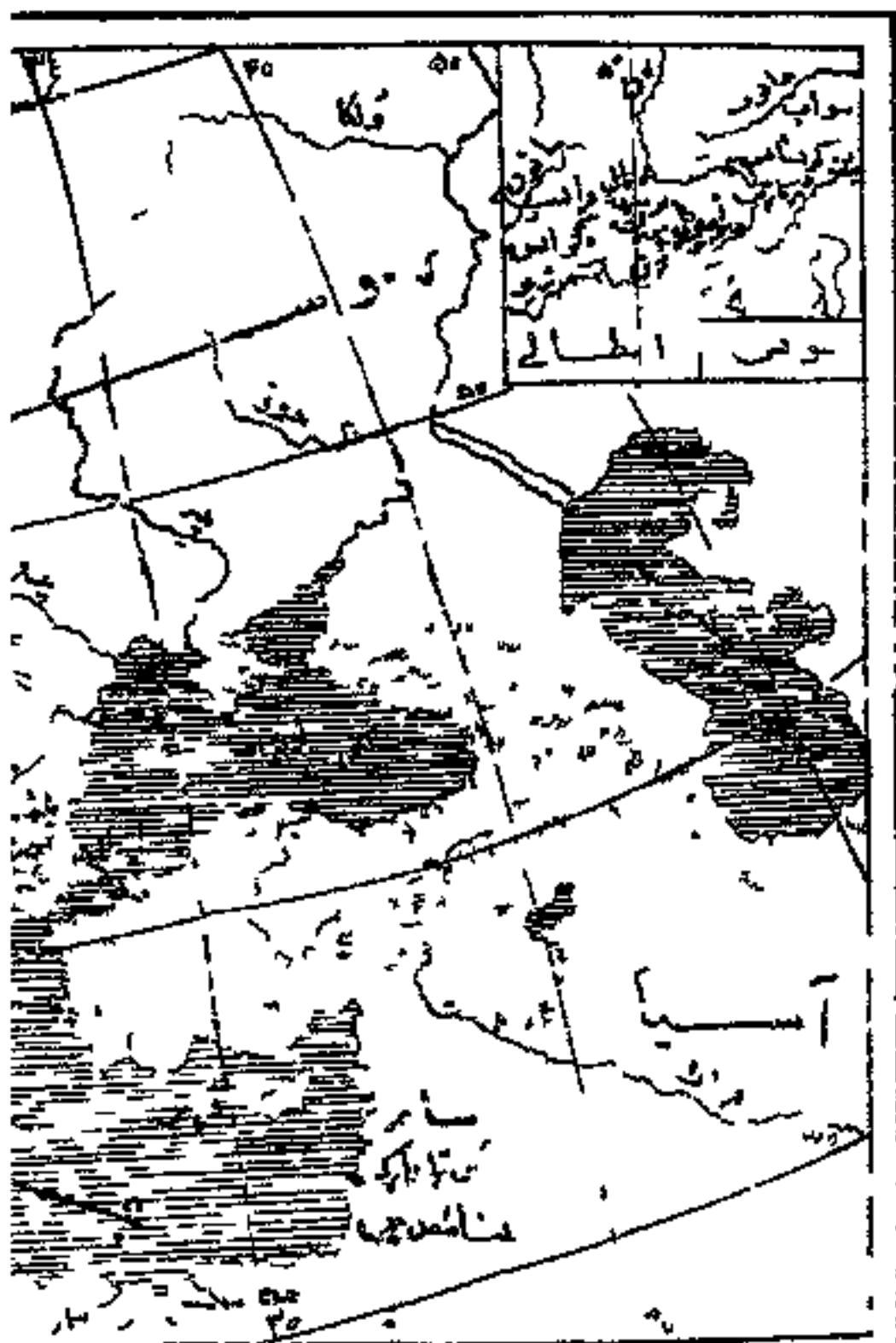
بودند و گشتی بسیار داشتند تجار اعیان برای خرید از ابریشم و مخمل و  
عاج بصره آسمیا میرفتند و این اجناس را در فرنگ بقیمت گزاف  
میفروختند

اول وزیر نامی برابر یونان و قسمی از خود یونان را متصرف شد بود  
غالباً شهرهای ایتالیا با یکدیگر جنگ داشتند در قرن پانزدهم  
ساکنین شهرهای ایتالیا خودشان بجنگ میرفتند و قشون را طلب  
اجیر نموده بجنگ میفرستادند و غالباً رئیس قشون فرورد بعد از فتح حکماً  
وزیران شهر را محبس کرده می کشیدند و خودشان صاحب مالکات شهر  
شدند

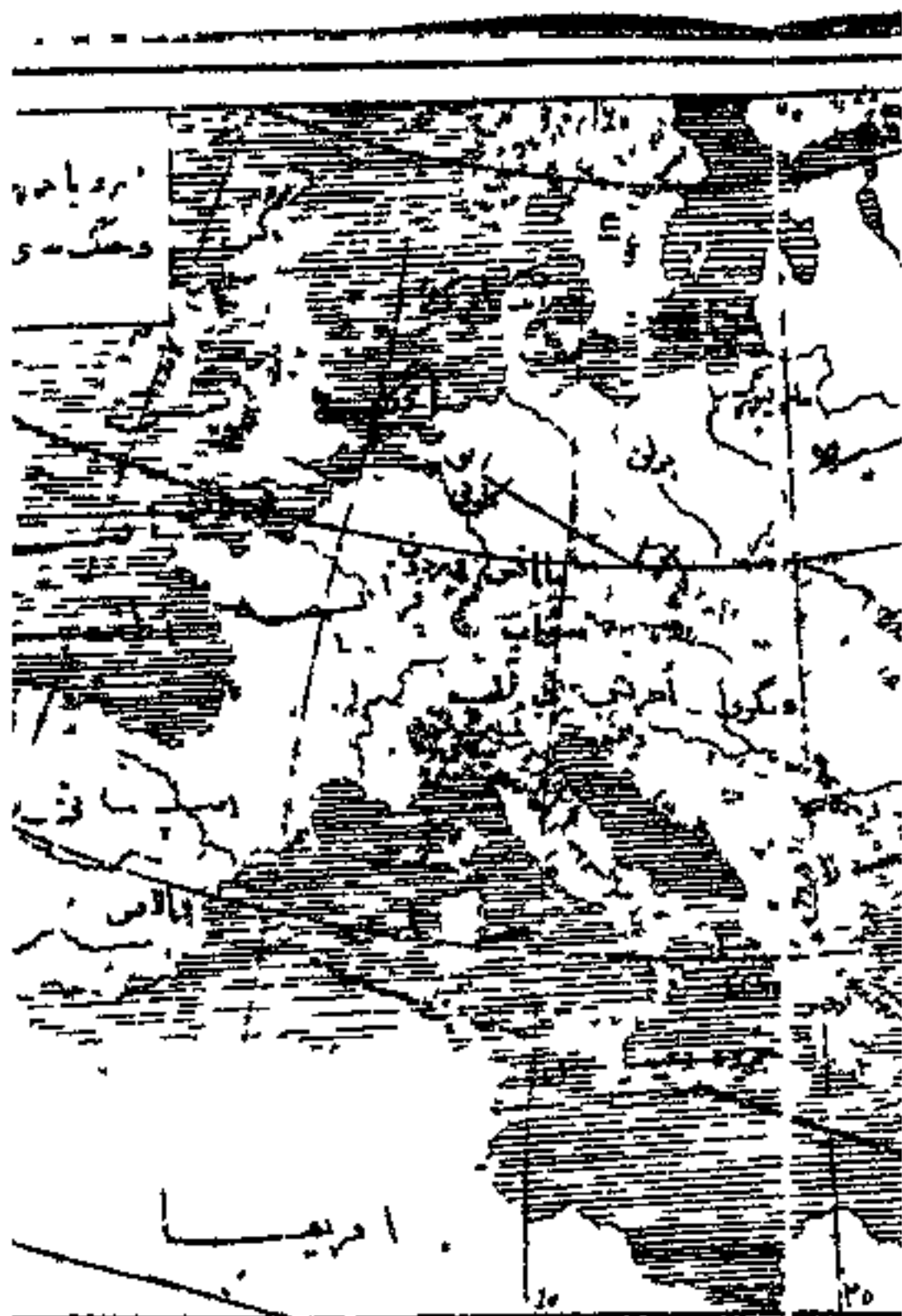
حکمرانی شهر وزیرتو و دارالشورائی ترکیب آنجایی میسر بود ولی شهرها  
در قریب تمام آنها بتصرف یک نفر ظالم در آمد

### سئوالات

تو برای بیجا چه ترقیب داشتند - با روشنی قدرت ترین آن شهرها  
کدام بود اما آن شهرهای اهلای در حرکت چه میکردند رئیس قشون را و  
طلب با شهری که فرقی نمیداد چه میکرد حکمرانی وزیران که بود



در این - هند و هندوستان در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح  
 در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح - تصرف شد و او را هندوستان نامیدند  
 قسطنطنیه - تغییر شد و اسم شاهان هندی (۲۰۴) در این تحت ملوک نام  
 به در ۱۰۷۵ تصرف بود - مصر - مملکت است زانوی قاهره  
 دو تنه مستند که شارل ترنت است



۱- نهر نیل که گیس در آنجی با حدت بروز از شاخه مرادیه  
 سن ۱۹۱۵ - بواسطه پادشاه فرانسه و انگلیس مشرفه  
 شد بر لور - بنامه بواسطه هیون آلمان آفرینیک - قواست که شجاع  
 محاسن یون اول جنگ صلیبی مانور مورکارین - جانی است برین با فتح کرده  
 خورد در آنجا در ۱۳۷۶



۹۱- شهرهای پامپس - در آلمان نیز حکومت چندین شهر با خود  
 آنها بود یعنی ساکنین شهر اطاعت بعضی از فرماندهان قدیم را میکردند  
 قدرت ترین آنها شهرهای شمالی بود که عبارت از لوبک و  
 هامبورگ و بریم و لگن و دانریک باشد کشتیهای  
 آنها برای تحصیل چوب و پیه و چرم و پوست - زرد و روسیه  
 میکرد و برای قلع و شوم با انگلیس میرفتند و در تمام آلمان میفرستند  
 در سال ۱۲۱۴ شهرهای آلمان با یکدیگر اتحادی موسوم با اتحاد پامپس  
 تشکیل دادند و متشدد شهر در این اتفاق و اتحاد داخل شدند

## سؤالات

زیب حکومت شهرهای آلمان چه بود - معتدترین آن شهرها کدام بود  
 کشتیهای تجارت آنها کجا میرفت

۹۲- شهرهای سویس - در کوهستان اطراف دریاچه لوزرن  
 رعایا آزاد بودند یکی از شاهزادگان آلمان که دالی اطریش در آن  
 حدود اطلاق داشت خواست عیال را اطاعت خود محور سازد و رعایا  
 که بکلی مسلح بودند جمع گردیده هم قسم شدند که از اتفاق و حمایت یکدیگر است

برندارند

و چون سواره شجاعان با راضی و اطاعت آنها داخل شدند رعایای  
 پیاده با آنها مقاومت نموده در مرگارتن در ۱۳۱۵ هجری را قتل رسانیدند

اتحاد رعایای نربر در ابتدا از سه طوکر تشکیل افتاد بود و در ۱۳۵۱  
 هجری طوکر در آن اتحاد داخل شدند و نیز در آن زمان رعایای سویس با  
 این گردیده اتحاد وسیعتره طوکر تشکیل شد

اسلحه سویس در زمین بیابان بود و با هنر و دقت در جنگ میرقند  
 شمار تیر و دال نیز کفن تصور میگرداند و در آن چهار پنج تیر  
 پیاده نیز در دست خود میباشند و لی امر در آن فایده این واقع  
 است که در جنگ بزرگ در آن جنگ و مراد در جنگ بسیار است  
 نمانده است از آن وقت که سویس با پس یافت و دیگر کسی در حدود  
 بر نیامد که بر مملکت سویس حمله کند و در آنجا بنظر بهترین قشون اروپا گفته  
 در تمام اروپا نیز طالب شدند که بر قیاب آنها قشون داشته باشند

نصف از اوقات

## سئوالات

رعایای کوبستان اطراف دریاچه لوسرن چه حال داشتند شاهزاده المان  
 درباره آنها چه قصد نمود و ایشان چه کردند چند بلوک در اتحاد سوسیالیست  
 سوسیالیست سواره شجاعان چه کردند  
 ۹۳ - **شترل پاپ** - پاپ امپراطور رانگت داد و دست شتر  
 سال تمام مردم در اطاعت او بودند تا در سن ۳۱ پاپ یعنی قاسم ششم  
 در سده مسوری برای فلیپ پادشاه فرانسه فرستاد شتر را یکدانشها  
 و صومعه داران فرانسه مالیات نمیدادند که خیلی پول لازم داشت و میر میخواست  
 مملکت او از تحت کنش خارج شود اگر کرد آن امر اسلحه را موزانیدند  
 و چون پاپ خواست حکم قطع رابطه با پادشاه بدهد و با او مستیزه نماید  
 یک نفر از شجاعان ایتالیا جامعش از او باش جمع نموده دزدی یکی شهرم  
 در سن ۳۱ مانع حرکت پاپ بگردید و چندی بعد از آن مجمع شترها  
 یک نفر فرانسوی را که کلین پنجم نام داشت از برای پاپ تعیین کرد و شخص فرانسوی  
 از شهرم خارج شده با دینین آمد در سن ۳۱ و همانجا اوست نمودت  
 بعد از سال کرسی پاپی در اوین بین باقی ماند و در آنجا تا حکام پاپ همه بر  
 حسب میل پادشاه فرانسه بود



## سؤالات

پاپ با پادشاه فرانسه چه کرد پادشاه با او چه کرد شجاع ایتالیائی  
چه کرد مجمع کشیده کرد پاپ در کجا اقامت جست

۹۳- وقوع تقسیم — ایتالیائی ها برای اقامت پاپ  
از پادشاه فرانسه بازخواست کردند تا، خوالا امریکی از آنها که نمیشد که برگرد  
منتقم بود از او این زمین برهم مراجعت نمود وی بعد از هجرت او پاپ دیگر  
در اوین زمین انتخاب کردند و از آن زمان پاپ و نفر شدند

و هیسویان نیز بدو وقت منتقم گشتند اما فی فرانسه اسپانی و انگلیس  
پاپ اوین زمین بودند و حال آنکه دیگر اقامت پاپ هم میکرد و آنمندی را  
وقوع تقسیم نامیدند عاقبت لامر کشیده های حال آنکه دیگر در سلسله  
در کنستانس مجلسی تشکیل دادند و پاپ را مجبور کردند که از کار کناره  
و بعد از آن پاپ جدیدی انتخاب کرد

از آن زمان پاپ منجبه بکنفر شد

و آن پس در سلسله خلیفه داد در مجلس عمومی برای اصلاح ترتیبات کلیسا  
بعی گشتند محض اینکه تمام مردم از وضع آن نکایت داشتند و وقوع

تسیم سبب شده بود که در بسیاری از ممالک بر خلیفه های پاپ شوریده  
بودند و از برای پاپ قدرتی باقی نمانده مثل اوایل قرون متوسط اطاعتی

## ازاد شکرده سؤالات

در قیام قسیم رایان کنید اتحاد پاپ چگونه و در چه تاریخ بود اصلاح ترتیب کلی

از برای چه بود

۹۵- تسخیر عثمانیان قسطنطنیه را در زمان شارلمان کبک

مغرب زمین در تحت فرمان فرما امپراطور و مطاعیت پاپ قرار گرفته

بود و مذنب عبوسی در مقابل حلاوت بیوفایان دغیر عبویان اخیلی

اسباب قوت بود قدری بعد از آن پاپ که بر عبویان نافذ گام

بود جمعی شجاعان را تسخیر ممالک مشرق مامور کرده بود

جز اینکه بواسطه ساز صی پاپ و امپراطور محلت خراب شد و پاپ نیز در آن

مغلوب پادشاه فرانسه گردید و سلاطین اروپا باینکه بگرد جنگ بود یعنی

از همان زمان که والی نورماندی انگلیس را تسخیر کرد و جنگ صد ساله

شروع شد پادشاهان فرانسه و انگلیس با هم نزاع داشتند

مع القصد در این مدت که روسای عیسویت با یکدیگر مشغول جنگ فرسایش  
 بودند جماعتی از مسلمانان که ترکان عثمانی باشند اول آسیای صغیر را  
 مسخر ساختند و بعد با اروپا معامله کردند این جماعت قشونی جرار تشکیل دادند  
 و یکی مطیع سلطان خود بودند

در سال ۱۳۶۱ قشون ترک داخل اردپاشد و در آن زمان در شبه جزیره  
 بالکان جمیعت قلیلی از عیسویان سکنی داشتند که عبارت از رومالاک  
 و بلغاریه و صربیه باشند و یکی در دفع مسلمانان اجتماع نموده فرانس  
 و المان نیز بجای آنها آمدند ولی در سه جنگ بزرگ تاریخ ۱۳۹۹  
 و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۴ شکست یافته ترکان فاتح آمدند و آن ممالک را  
 در تحت اطاعت خود در آوردند شهر قسطنطیه قدری بیشتر مقاومت نمود  
 ولی سلطان محمد دوم آن شهر را با توپخانهی محاصره نموده بالاخره در سال ۱۴۵۳

با محمد شورش و فتنا ممالک مشرقی شهر قسطنطیه کرد  
 از زمان تا کنون قسطنطیه تحت سلطنت عثمانی است ممالکی که برتر  
 تره ن مفتوح شد ترکان اروپا پرستان آسیای نامیده گشت  
 بعد از فتح قسطنطیه بسیاری از عیسویان در آنجا باقی ماندند و ترکها در صد

اوست و قتل آنها بر نیامدند ولی آنها را کله و چارپای سپنا میدادند و  
با آنها بدفقاری نموده پول زیاد از آنها میگرفتند

## سؤالات

دره تی که عیویان با هم نزاع داشتند چه واقع شد و دل بالکان با عثمانیان  
چه کردند سلطان محمد دوم چه کرد قسطنطیه چه شد بعد از فتح قسطنطیه عیویان  
آنها چه کردند

۹۶- آخر عصر متوسط - و حال اروپا - عادت موریه  
بر بنگه آخر عصر متوسط تسخیر قسطنطیه را قرار دهند و در آن تاریخ حال  
اروپا ازین فرار بود

فرانسه انگلیسها را خارج ساخت تمام آن مملکت پادشاهی تعلق  
یافت که نهایت زیاد میگرفت و قشون خوب داشت  
انگلیس در جنگ صد ساله مغلوب گردید و آنچه در مملکت فرانسه داشت  
از دست برادر و جنگ بزرگ در نلی در انگلیس شروع شد  
اسپانی رفته رفته مغلوب شاهزاده های عیسوی گردید و کاستیل  
و آراگون هر یک مملکت جداگانه تشکیل دادند ولی در یکی نگذشت که هر دو

...  
بیت مملکت شدند

و پس در مغرب اروپا به مملکت بزرگ صورت بست فرانسه و انگلیس  
و اسپانیایی این ایام و المان تکلیف در میان بسیاری از شاهزاده  
کوچک و جمهوریهایی کوچک تقسیم شده بود  
از سواد دانه و حریفی در میان بود  
دوس با هنوز در حشیدگی باقی بودند  
و مغرب اروپا را از کجا بشمار گرفته بود

## سوانات

توجه نموده چه وقت است در آخر عصر متولد چه واقع شد

## خلاصه که باید آرزو نمایند (۱۲۶)

اولاً در تمام مدت عصر متوسط از سال ۹۶۰ پادشاه المان یعنی امپراطور پاپ

بود ولی ایتالیائی با اطاعت او راضی نبودند

ثانیاً در ابتدا پاپ از امپراطوری او را تعیین مسیحی و اطاعت میکرد

ولی از سال ۱۰۵۰ پاپ برتسل کیشهای روم منتخب شد

ثالثاً پاپ و امپراطور در مدت دو قرن با یکدیگر مشغول جنگ بود و پاپ

گرگور پنجم مانری چهارم را مجبور کرد که آمده از او ترضیه خواهد در سال ۱۰۷۲

امپراتور در وریک باربروس مجبور کرد که از پاپ صلح جوید در سال ۱۱۵۵

و امپراتور در سال ۱۲۵۰ مغلوب پاپا گردیدند

رابعاً از آن زمان امپراتور المان بقدری ضعیف شد که دیگر نتوانست نظم را

نگه داری نماید و محلت این راجاهان را پسران قدرت نبرد

خاصاً در ایتالیا با هر شهری بجنگست خود میپرداخت و مخصوصاً شهر ونیز

بواسط تجارت صاحب قدرت بود در قرن پانزدهم تقریباً تمام شهرهای

ایتالی در تحت اقدار کثیر ظالم جار در آمد

ماداماً شهرهای بزرگ تجارتنی در شمال آلمان خودشان حکومت خود قیام  
داشتند و در مجموعی موسوم به انس جمع شدند

سابقاً در پستانان آزاد سوئیس شجاعان اطریشی را در مرگارتین در سال ۱۳۱۵  
مغلوب نمودند و مجموعی موسوم با اتحاد سیزده گانه تشکیل دادند و در سال ۱۳۲۶  
بر شجاعان بودرگینی در کران سون و نرات غالب آمده بهترین قشون  
پیاوه اروپا شدند

ثامناً در موقع خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه گردید و در آوین بین قزل  
گرفت در سال ۱۳۲۹.

ثالثاً بعد از آنکه در سال ۱۳۲۶ پاپ برم مراجعت کرد باین پاپ هم و پاپ  
آوین بین تقسیم بزرگی واقع شد تا بالاخره در مجمع کنستانس تقسیم مزبور به  
رسیده بار دیگر در سال ۱۳۴۱ پاپ یکی شد

چهارم جماعت مسلمانان در ترکیه از آسیا آمده شبه جزیره بالکان را  
از هیویان گرفتند و در سال ۱۳۵۲ قسطنطنیه را تصرف نمودند

حادثه عصر متوسطه باین ترتیب انجام یافت که در آن وقت در مملکت بزرگ  
یعنی فرانسه در انگلیس و اسپانیا تشکیل یافته ولی ایتالیا و آلمان تقسیم شده و ضعف حاصل گردید

## ماحصل عصر متوسط

اولاً در مهیا امپراطور نشین من ابرسم زد و بجای او چندین ملک متکثر  
یافت و قدری تمدن کشته عیسوی شد

ثانیاً سلطان انهارا در یک محفلت جمع نمود ولی آن محفلت نیز برجم خورد  
در تمام اروپا طوک الطوائفی برقرار شد

ثالثاً سلاطین الممالک کثیره محکمی تشکیل دادند که عبارت بود از الممالک و ایلخانها  
در امپراطوریا غالباً با پادشاهان فرانس و انگلیس و ممالک یاب شد

و اما در همین زمان عربها با این اسلام در آمد نام و مشرق در آن  
نزد و در میان اروپا با مسلمانان چند ممالک یاب شد

و اما در دوره خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه شد و این ممالک  
بسیار تقسیم باقی ماندند و فرانس و اسپانیا نظیر آنکه صاحب قدرت شد

و در آن زمان عصر متوسط با بنیاد در آمد و عصر جدید شروع کرد



## کتاب سیم

عصر جدید

فصل اول  
اختراعات و اکتشافات

۹۷- ابتدا می عصر جدید - در آخر قرن پانزدهم  
اختراعات چند وقوع یافت و مطالب بسیار تکمیل گشت حال آنکه تا آن زمان  
شناخته شده بود کشف شد و عقول مردم بسبب خیالات جدید در علوم  
اشاره نوشتجات و علوم و صنایع و مذہب بیجان آمد و تمامت این مطالب  
خبر مدها که عصر جدید می از برای تاریخ شروع شده

## سؤالات

در آخر قرن پانزدهم چه وقوع یافت

۹۸- باروت - باروت که تفنگ و توبه ابا آن پر میکنند تا  
قرن چهاردهم در اروپا شناخته شده بود چینی ها ساختن باروت را  
مده هستند ولی او را بزود آتشباری استعمال نمیکردند از پایان بیجا

افتادند که او را در جنگها بکار برند و توپ ساختند نوپهائی که در آن  
 ساخته خیلی سسکین بود و بدخالی میشد و بنور قنک اختراع نشده و شعله  
 بهم خیلی ناراحت بود از برای عالی کردن شمال بایستی میشد یک قطره  
 کرده همراه دهشته باشند بعد از آن یاد گرفتند که توپ را با عراده بسازند  
 و اسب آن را بکشند شارل هشتم از آن توپ صد و چهل عراده باطله  
 برد و بعد از آن سسک چخاتی بر قنک تعبیه اضافه کردند و قنکها را  
 سبک ساختند از آن زمان توانستند از دور با یکدیگر جنگ نمایند  
 و قلعه و جان پناه دشمن را با توپ خراب کنند بالاخره از روزی که  
 اسلحه آتش بدست پیاده نظام در آمد پیاده از سوار بودن گذشت  
 و امری که گوره سبب گردید که انقلابی در لوازم جنگ رخ داده خراب  
 نمودن تصرف می امرا و شجاعان آسان گردید و سواران شجاع با  
 زره و چهار آینه و خود دامن و کوفه و دیگر توانستند در مقابل کوله  
 یک نفر پیاده مقاومت نمایند آقایانی که در تصرف اسکنی داشتند و  
 سواران در در خود جمع میکردند بعد از اختراع اسلحه آتش بست  
 آنها خیلی بازش شد پادشاهانی که توپ زیاد و پیاده نظام بسیار

باشند و آنکس که اینها را ذکر کرده تمام زیر و ستان را باطلاعت

در آورده

## سئوالات

در اروپا با باراتها چه وقت شناخته شد قبل از اینها که اعم است یا سخن  
بابت را امید انتق در ابتدا اروپا تکلیف و اینها را چه بنا نهاد و این از آن  
چه نه از خانه بدان بودند اختراع نوب و کدنگ بر اثری نبود و چه تیسری بود

اوضاع عام داد

۹۹- قطب نما - قطب نما عبارت از عقربه مغناطیسی است که

همیشه بطرف شمال می‌رود اروپاییان پیش از قرن چهاردهم  
از اینها استفاده و بعد از آن تغییر کلی در ترتیب کتبها پیدا آمد مسافران  
در اوقالی استخاض این قطب نما عجزت میکردند از ساحتها و در اروپا

اتجرح فیه یا توانستند ارفقه در با هم بر نمایند و این اینکه از کلمه  
برای - در حدیث است زیرا که هر دو در ساحتها همیشه جهت تمام برای

ایشان استعین بود

اسیای شرقی و غربی را در اکتشاف عالم جدید از قطب نا فایده در  
حاصل کرد

## سؤالات

قطب‌نما چه چیز است و چه وقت آنرا شناختند قبل از اختراع قطب‌نما حال  
سافرین دریاچه بود بعد از اختراع آن چه تغییری حاصل شد کیان از قطب‌نما یافتند

کلی بردند  
۱۰- کشف افریقا و راه بندستان - در قرن پانزدهم میلادی

پرتوغال در طول غربی افریقا حرکت نمودند و متدرجاً جزیره مایزو  
کاناری دسواحل گابون را کشف کردند

در ۱۴۸۲ م. پتاحی از پرتوغال تا دماغه امید خیر مسافت نمود و متعاقباً

آن واسکو دو گاما از اسپانیول با چهار کشتی حرکت کرده دور دنیا

خیر گردید و ساحل شرقی افریقا را اکتشاف نموده بندر سید

در ۱۴۹۸ م. پرتوغالها در آنجا مهاجر نشین دادسترات برقرار نمودند

و تجارت مشغول شدند

## سؤالات

در قرن پانزدهم میلادی پرتوغال چه کردند

واسکو دو گاما چه کرد در چه تاریخ پرتوغالها در بند مهاجر نشین سید کوفه

۱۰- اکتشاف افریقا - یکصد و بیست و یک سال پیش از میلاد مسیح در جزیره

کلب در پیش خود فک کرده بود که چون زمین گرومی دگر دست  
 هرگاه از سمت مغرب دورتر نیم بندد استان خواهم رسید حاجت الله  
 غم خود را جرم نمود که پادشاه اسپانی را وادارد تا سه فروز کشتی مختار  
 بحیث این مسافرت باو بدو پادشاه پذیرفته او بکشتی نشست خدمت  
 و واداد در راهی اقیانوس حرکت میکرد تا در یازدهم اکتبر ۱۴۹۲  
 بجزیره از جزایر لوه می رسید و ارضی امری را کشف کرد و  
 در ۱۵ اکتبر ۱۴۹۲ طرح دیگری نامش مارتلان در خدمت پادشاه اسپانی  
 بود از اقیانوس عبور کرده از سمت جنوب امریکا را دور زده و اصل  
 اقیانوس کبیر گردید و جزایر اقیانوسی یا اسپانی را کشف نمود کشتی بازن  
 بعد از سه سال باسپانی مراجعت کرد و این اولین نقشه بود که دور کره  
 زمین را طی کرده بود.

## سؤالات

کریف کلب چه فکر کرده بود و چه کرد مارتلان طرح چه کرد کشتی بازن  
 بعد ز چند وقت باسپانی برگشت  
 ۱۰۶- تفسیر مکرز پاست و پرورد - از منشی امریکا مسکن

اگر کسی بود ولی در مملکت بزرگ در آن وجود داشت یکی از نزدیکان در امر کار

شمالی و دیگری می بود در امر یک جنوبی در این دو مملکت معادن بزرگ

انگیز طلا و نقره موجود است و پادشاهان آنها خزانه های بسیار بزرگ

از طلا و نقره فراهم ساخته بودند اسپانیولها این مطلب اکتفا به محرم

گردیدند که آن ممالک را تصرف نمایند در سال ۱۵۱۹ کبیر اسپانیولی موعود

قرمان گریز با مقصد سر بازار گنیش بگریک فرود آمد و بجهت رسیدن

و در خارده نوب همراه داشت

پرفتن داخل شهر خودشان کرده

استانبولها ادب و احترام مگر یکی در اجبت تصرف نمودن خزانه  
به شاه آنها غنیمت شمرده

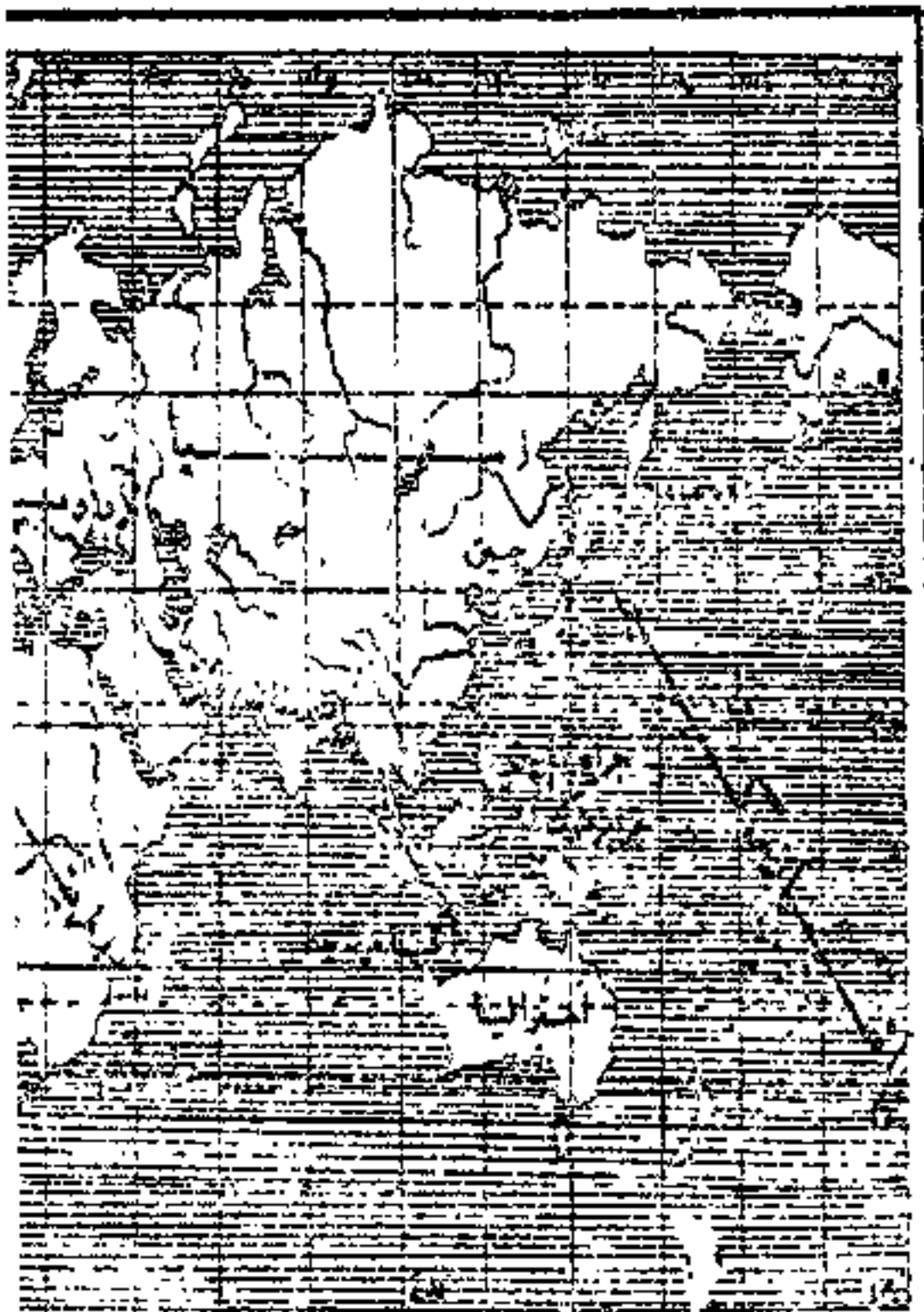
مگر یکی با همت ایشان را مفت شده بگفته شورش نمودند و زیاد  
از صد هزار مرد جنگی جمع شده فرمان گرفتند و محاصره کردند ولی  
گرفتند آنها را مغلوب ساختند و پادشاه ایشان را با آتش کف نمود  
و مگر یک مهاجر تین دستمرد را سپانیولی شد

در سال ۱۵۱۱ یکده سپانیولی و کیر بریاست فرماندهی هزار نام دل  
شهر زدند و در سال ۱۵۱۲ پادشاه را کوفه حبس کردند و بجهت خلاصی  
از حبس یک اطاق برادر طلا از او مطالبه کردند آخر الامر پادشاه را  
تخه کردند و پرویز بصرق سپانیولها در آمد

### سئوالات

در مگر یک پروچو قیمت و اسپانیولها با آنها چه کرده  
سپانیولها چه کردند هزار اسپانیولی با پادشاه چه کرد

۱۰۳ - ممالک اروپا را بر تو کالیها و اسپانیولها تهنه



با درختاناری - جزیره ایست که توسط پورتگالی در قرن پانزدهم کشف شده - کاب  
 هند آسیا - جزایر پورتگالیها اولی دفعه استقرار داشته - آمریکا - کشف شده با  
 ملکیک را در دریای شمالی، فرانک گرینفیلد در ۱۵۱۹ - پرو - مکتلی است  
 جزیره - مکتلی است از امریکای جنوبی پورتگالیها متوجه ساخته شده





در خارج اروپا مالک مالک بزرگ شدند بر توکالیها در طرف شرق  
در آسیا و افریقا و آسیای متصرفات دست آوردند و در سو محل خوبی  
افریقا دهند و چین بند را داشتند که در آنها مان التجاره مشرقی از  
قبلند و ابریشم و عاج و ادویه جات می گرفتند و همچنین جزایر ملوک  
و برزیل را مالک بودند

اسپانیولها در طرف مغرب امریکا متصرفات پیدا کردند و جزایر  
آیل و کوزیک نام امریکای جنوبی باستانی بر زمین مالک شدند  
و در آسیای جزایر فلپین را متصرف شدند

سئوالات

بر توکالیها در خارج اروپا چه متصرفات دست یافتند اسپانیولها که در

۱۳۴ - خرید و فروش سیاهان - اسپانیولها که با آمریکا  
می رفتند تقریباً تا مدت ها در جنگی لری دلالی و حشبه می کردند  
و همین است که گفته اند باید دلالی اصولی است را بجزو می کرد که در مورد  
از برای استعمار به بلند و ناز و آذنت با آنها رسانیده می کردی  
شماره در آنجا بزرگ که بر این اثران با سکت شکار و سینه و جندی